



مسلمانان به خوان نعمت فرا خوانده شده‌اند

رویت هلال ماه در روز آخر ماه شعبان، مژده آغاز ماه مهمانی خداست. ماه شب‌های قدر و خلوص و نیایش به درگاه آن که می‌گویند سفره‌های افطار و سحر، سفره نعمت اوست و سرنوشت یک سال را در یک شب قدر روی لوح محفوظ به رشته تحریر می‌کشد.

رویت هلال ماه در روز آخر ماه شعبان، مژده آغاز ماه مهمانی خداست. ماه شب‌های قدر و خلوص و نیایش به درگاه آن که می‌گویند سفره‌های افطار و سحر، سفره نعمت اوست و سرنوشت یک سال را در یک شب قدر روی لوح محفوظ به رشته تحریر می‌کشد.

ماهی که رمضان نام دارد و از ابتدای ورود اسلام تاکنون، مسلمانان را بر سر خوان نعمت خود نشانده است. ایرانیان نیز مانند تمام مسلمانان، آیین خاصی برای قدم نهادن به این ماه دارند که از کودکی آن را می‌آموزند. از گرفتن روزه‌های کله‌گنجشکی و طاقت‌آوردن تشنگی و گرسنگی به شوق وقت اذان و بالابردن دست‌های کوچکشان برای دعا همنوا با بانگ «و 171#ربنا» اولین روزه‌ها را آغاز می‌کنند و از بزرگ‌ترها می‌آموزند که خداوند در این ماه بخشنده‌تر از همیشه است و دعای دل‌های پاک، دل‌هایی را که در این ماه از گناه و محرمات دوری کرده‌اند، می‌شنود و اجابت می‌کند.

می‌آموزند در این ماه، حتی خستگی و به خواب رفتن نیز نوعی عبادت است، که طعم درد مستمندان و گرسنگان را باید چشید تا دست‌های نیازمند را به سادگی رد نکرد و معنای حقیقی اطعام و انفاق را فهمید. می‌آموزند و در آینده به کودکان‌شان نیز آموزش می‌دهند و این‌گونه است که رمضان، نسل به نسل و سینه به سینه می‌گردد و ماندگار است. سبک زندگی ایرانیان در این ماه سبکی توأم با پاکیزگی مادی و معنوی است. معتقدند رمضان ماه آشتی و زدودن کدورت‌هاست، چرا که می‌گویند روزه با دلی که آلوده به کینه باشد، مورد قبول خداوند نخواهد بود؛ پس در این ماه مردم به آشتی و پیوند دوباره با یکدیگر روی می‌آورند تا دلی پاک و روزه‌ای مقبول داشته باشند. هنگام سحر، پاکیزه از آنچه خورده و آشامیده‌اند به نماز صبح می‌ایستند و معتقدند نه تنها جسم، که روح و وجود و زبان و نگاه نیز باید از هرگونه گناه و آلودگی به دور باشد. این روزها در خیابان‌های پایتخت مردم گرچه شاید از فرط روزه‌داری در گرمای بی‌امان تابستان خسته و تشنه‌اند، اما با این حال مهربان‌تر و صبورتر از گذشته‌اند، پابندی بیشتری به اخلاق دارند و اعتقادات باطنی، نمود ظاهری پررنگ‌تری پیدا کرده است. خیابان‌ها در این ماه از بوی غذا و خوراکی‌های متعدد عاری است و اما اندکی مانده به افطار، بسیاری از طب‌های برای افطار روزه‌داران، بساط حلیم و آش رشته علم می‌کنند. شیرینی‌های قدیمی مخصوص و پرترفدار این ماه از قبیل زولبیا و بامیه، بعدازظهرها از گوشه و کنار مغازه‌ها خودنمایی می‌کند، عطر نان داغ و تازه، ساعتی مانده به اذان، مردان و زنان را در صف‌هایی طولانی و دوستانه کنار هم می‌کشاند و در خانه، مادران در حالی که گوش به صدای مناجات ربنا سپرده‌اند، سفره‌های افطار را برپا می‌کنند. در ثانیه‌های مانده تا اذان، همه در سکوت در کنار هم و دور سفره‌ای که گسترده شده می‌نشینند، باچشم‌های بسته و بغضی که ناخواسته راه گلو را بسته برای هر آن چیز و هر آن کس که می‌خواهند دعا می‌کنند و دست آخر با پیچیدن بانگ اذان، چشم‌های اشک‌آلود را باز می‌کنند، لبخند می‌زنند، دست‌های هم را می‌فشارند و می‌گویند: «و 171#قبول باشه».

همدان و آداب روزه‌داری

رمضان هر سال با آیین‌های متفاوتی به گوشه و کنار خاک ایران سر می‌زند. در استان همدان، چند روز مانده به آغاز ماه، مردم به استقبال و پیشباز می‌روند و روزه می‌گیرند، همچنین روزه‌های اول، پانزدهم و آخر ماه شعبان را به روزه‌داری می‌پردازند، چرا که بر این باورند اجر و ثواب این سه روز برابر با روزه یک ماه رمضان است. مردم همدان با تهیه و پخت غذایی مخصوص به نام کباب سرداشی، سفره اطعام نیازمندان و فقرا را پهن می‌کنند که خود همدانی‌ها معتقدند قدمت این سنت در همدان به تاریخ اسلام برمی‌گردد و تا امروز همچنان در بین مردم این استان حفظ شده است.

رسم سحرخوانی در کردستان

کردستانی‌ها آیین‌های قدیمی زیبایی در طول ماه رمضان داشته‌اند و کماکان نیز تاکنون آنها را حفظ کرده‌اند. یکی از این آداب، برخاستن هنگام سحر و بیدارکردن همسایگان و اجرای چند موسیقی مخصوص در مناطق مختلف است که به آن موسیقی «و 171#سحرخوانی» می‌گویند. از میان این موسیقی‌ها، آواز مرحبا و الوداع از همه مشهورتر است. در قدیم مرسوم بوده، یک ساعت قبل از افطار روزه‌داران با بقچه‌هایی پر از خرما و نانی مخصوص به مسجد می‌رفتند و مراسم افطاری را برگزار می‌کردند. غذاهای محلی خاصی در این ماه در بین کردها طبخ می‌شود که از جمله می‌توان به کولیره چوره، برساق و داندوگ اشاره کرد. روز بیست‌وهفتم

رمضان نیز نان مخصوصی به نام بیست و هفتمی می‌پزند که همان کولیره است. در ماه رمضان بین کردها رسم است هر کس توانایی تلاوت قرآن را داشته باشد، حتما باید یک بار قرآن را ختم کند. بعضی نیز دو یا سه بار این کار را می‌کنند. در روز عید فطر در گذشته موقع اذان صبح سه گلوله توپ شلیک می‌شده است. مردم در این روز در مساجد گرد می‌آمدند و با خواندن قرآن و گفتن الله اکبر عید را گرمی می‌داشتند و نماز عید را در مساجد برگزار می‌کردند. پس از نماز و خطبه نیز از هم طلب حلالیت می‌گرفتند و فطریه را به فقرا می‌دادند. بازدیدهای این عید گاهی حدود سه روز و گاهی بیشتر طول می‌کشید. همچنین در این روز مردم به صورت دسته‌جمعی به قبرستان رفته و برای شادی روح مردگان خود فاتحه می‌خواندند و برای سلامت بازماندگان دعا می‌کنند. این رسم هنوز یک روز مانده به عید که به آن «عرفه» می‌گویند در کردستان برگزار می‌شود.

شیراز و شکستن اعمال بد در رمضان

در شیراز نیز رمضان با رسوم و حال و هوای خاصی مردم را به مهمانی 30 روزه خود می‌برد. در آخرین جمعه ماه شعبان که به روز کلوخ‌اندازان در شیراز معروف است، مردم به گردشگاه می‌روند و خوش می‌گذرانند و خود را آماده می‌کنند تا در ماه رمضان تنها به عبادت بپردازند. می‌گویند در قدیم هنگام غروب روز کلوخ‌اندازان، تمام مردم کلوخ در دست می‌گرفتند و رو به قبله می‌ایستادند و می‌گفتند خدایا گناهان و کارهای بد گذشته را شکستیم و خود را برای عبادت و روزه ماه رمضان آماده کردیم، آن‌گاه کلوخ را محکم به زمین می‌زدند تا خرد شود و عقیده داشتند با شکستن آن، اعمال بد نیز شکسته و نابود می‌شوند. همچنین رسم است پس از افطار، مردم به دید و بازدید می‌روند و گاهی تا وقت سحر دور هم می‌نشینند و صحبت می‌کنند و تنقلات و زولبیا و بامیه می‌خورند. شیرازی‌ها به این دید و بازدید ماه رضانی می‌گویند. خانواده‌هایی که دختر شوهر داده باشند در نخستین ماه رمضان پس از عروسی، خود را موظف می‌کنند افطاری کاملی به نام والون به همراه گل برای عروس بفرستند. جهرمی‌ها نیز آداب خاصی برای این ماه دارند. برای مثال شب دهم ماه عدس‌پلو، شب هفدهم را با کله پاچه و شب نوزدهم را با نان خشک و حلوا افطار می‌کنند.

مناجات مولا یا مولا در مازندران

مردم کرمان نیز مثل همه ایرانی‌ها، رسوم مخصوص به خود را برای شب قدر دارند. آنها به این دلیل که در انجام عبادات این ماه مقید هستند، سعی می‌کنند حتما هرگونه جشن و مراسمی را که تدارک دیده‌اند قبل از ماه رمضان برگزار کنند. در کرمان، بزرگ‌ترها با دادن نوعی هدیه به دختران و پسران به سن تکلیف رسیده، آنها را به انجام فریضه روزه‌داری ترغیب می‌کردند. بسیاری از مردم مازندران هنوز هم برای برآورده شدن آرزوهایشان، سه روز ماه رمضان را روزه می‌گیرند. آنها نان‌های باقیمانده از سفره افطار را به عنوان تبرک در سفره نان قرار می‌دهند تا برکت پیدا کند. در قدیم افرادی که فرزند پسر می‌خواستند نذر می‌کردند در طول ماه مبارک رمضان مردم را برای خوردن سحری بیدار کنند، به این صورت که یک پیت حلبی خالی به گردن خود می‌آویختند و با چوب به آن ضربه می‌زدند تا مردم برای سحری بیدار شوند.

کسانی که در مازندران برای نخستین بار به سن تکلیف می‌رسند و روزه می‌گیرند تا زمانی که از جانب بزرگ‌ترها به عنوان روزه‌سری هدیه‌ای نگیرند، افطار نمی‌کنند. معمولا این هدایا شامل چادر نماز و طلاجات برای دختران و پول و انواع نقره‌جات قدیمی برای پسران است. مازندرانی‌ها سحر را نمی‌خوانند و نماز نافله شب می‌خوانند و بویژه مناجات مخصوص علی (ع) را به نام مولا یا مولا زمزمه می‌کنند.

فاطمه رضانیان / جام جم